

همه چیز راز است!

گزینۀ شعرهای

یانیس ریتسوس

ترجمۀ

احمد پوری

نشر چشمه

تهران، ۱۳۸۴

ریٹوس، یانيس، ۱۹۰۹-۱۹۹۰. Ritsos, Giannas

همه چیز راز است! گزینة شعرهای یانيس ریٹوس / ترجمه احمد پوری - تهران: نشر چشمه، ۱۳۷۹.
ص. ۱۲۷

ISBN 964-5571-78-2

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: ص. ۱۶؛ همچنین به صورت زیر نویس.

الف. شعر یونانی - قرن ۲۰. الف. پوری، احمد، ۱۳۳۲. مترجم.
ب. عنوان: گزینة شعرهای یانيس ریٹوس.

۸۸۹ / ۱۳۲

PA

هـ ۹۳۵ ر

۱۳۷۹

۱۳۰۸۹ - ۷۹ م

کتابخانه ملی ایران



نشر چشمه

همه چیز راز است!

(گزینة شعرهای یانيس ریٹوس)

ترجمة احمد پوری

ویراستار: کاظم فرهادی

حروف چینی: محمد اشرف

لیتوگرافی: بهار

چاپ: حیدری

صفافی: کنیبه

تیراز: ۲۰۰۰ نسخه

چاپ اول، پاییز ۱۳۷۹. تهران

چاپ دوم، زمستان ۱۳۸۴. تهران

ناظر فنی چاپ: یوسف امیرکیان

حق چاپ محفوظ و مخصوص نشر چشمه است.

شاپک: ۷۸-۷۸-۵۵۷۱-۹۶۴

دفتر مرکزی، توزیع و فروش نشر چشمه: تهران، انقلاب، خیابان ابوریحان بیرونی، خیابان وحید نظری، شماره ۷۱

تلفن: ۶۶۴۹۲۵۲۴-۹، ۶۶۹ ۵۷۵۷۷ دورنگار: ۶۶۴۶۱۲۵۵

فروشگاه نشر چشمه: تهران، خیابان کریم خان زند، نبش میرزای شیرازی، شماره ۱۶۱ تلفن: ۸۸۹۰۷۷۶۶

فهرست

۹	ریتسوس خوابگرد سرزمین کابوس‌ها
۱۷	صبح
۱۸	شنیدنی و ناشنیدنی
۱۹	ارتباط
۲۱	خوابگرد و دیگری
۲۲	تنها با کارش
۲۳	ضربه در

شهادت‌ها ۱۹۶۶

۲۷	روز مرد مریض
۲۸	کشف او
۲۹	مظنون
۳۰	همان شب
۳۱	بهار
۳۲	تعطیلاتی دیگر
۳۳	ورزش
۳۴	وقتی دیگر
۳۵	زیبائی کارگری
۳۶	«چیزی مثل»
۳۷	تقصیر
۳۸	تسلیم
۳۹	عزیمت

۴۰	تبعید دوباره
۴۱	شامگاه
۴۲	سبکی
۴۳	ماهگیر پیر
۴۴	پس مانده‌ها
۴۵	گرما
۴۶	تخلیه
۴۷	سلهانی
۴۸	یادآوری
۴۹	خشم
۵۰	برگرد چاه
۵۱	سکون
۵۲	سقوط یک خود شیفته

زنان تانکارا (۱۹۶۷)

۵۵	راه رستگاری
۵۶	صورت یا صورتک
۵۷	زندانی
۵۸	یکی پس از دیگری
۵۹	مرگ در کارلواسی
۶۰	یاس پنله‌لوپ

نرده‌ها (۱۹۶۹)

۶۵	صندلی
۶۶	سیرک تعطیل
۶۸	ودیه
۶۹	غروب دریا

۷۰ اتاق‌های بازجویی
۷۱ اصلاً نه کوچک

اشاره‌ها (۷۰-۱۹۶۹)

۷۵ دست‌کم باد
۷۷ پیش از خواب
۷۸ شمارش
۷۹ ذوب
۸۰ سومی
۸۱ درون و بیرون پنجره
۸۲ چشم‌انداز سفید
۸۳ عزیمت ۳
۸۵ دایره
۸۶ خانه‌ای سه طبقه بازبرزمین

راهرو و پلکان (۱۹۷۰)

۸۹ آتن ۱۹۷۰
۹۱ چشم‌انداز
۹۲ ضروریات
۹۳ شعور
۹۴ رهایی
۹۵ بخش حمل و نقل زندان پیروائوس
۹۶ پس از محاکمه
۹۸ احتیاط
۹۹ معنی یکی است
۱۰۰ صحنه

کاغذی‌ها (۱۹۷۱)

کاغذی‌ها ... ۱۰۵

پوشیده (۱۹۷۲)

حرفه شاعر ۱۲۳

اردوی کار اجباری ۱۲۴

زخمی یا مرده ۱۲۵

دیوار درون آئینه

محدودیت‌ها ۱۲۹

بازگشت ۱۳۰

مختصر سادگی ۱۳۱

فراموشکاری ۱۳۲

واپسین کلام ۱۳۴

بانوی تاکستان‌ها

..... ۱ ۱۳۷

..... ۳ ۱۳۹

..... ۵ ۱۴۱

..... ۱۵ ۱۴۳

..... ۱۶ ۱۴۵

ریتسوس خوابگرد سرزمین کابوس‌ها

یانیس ریتسوس زمانی که از دنیا رفت بیش از صد جلد اثر از خود به جا گذاشت. از این تعداد مجموعه شعرهای او بیشتر از ۸۰ جلد بود. او را یکی از پرکارترین شاعران عصر حاضر نامیده‌اند. این است که بررسی همه جانبه شعر او کاری است دشوار، و مستلزم خواندن تمام اشعار او در زبان یونانی است و چنین کاری از عهده من خارج بود.

از میان چند مجموعه ترجمه شده به زبان انگلیسی که در اختیارم بود، شعرهایی را در این گزینه گردآورده‌ام و سر آن دارم که که درباره همین مجموعه و شعرهای آن سخن بگویم.

ریتسوس در اول مه ۱۹۰۹ در مونم واسیا، یکی از شهرهای یونان، به دنیا آمد. دوازده ساله بود که مادر و برادرش مسلول شدند و به فاصله اندکی از هم از دنیا رفتند. یک سال بعد در ۱۹۲۲ به دنبال شکست یونان در آسیای صغیر، پدرش که زمیندار بود ورشکست شد و زمین‌هایش را از دست داد. کار پدر به جنون کشید و در آسایشگاه روانی بستری شد. یانیس سرپرستی خواهران و برادرانش را به عهده گرفت. سال بعد خواهرش نیز کم کم مبتلا به جنون شد و به دنبال پدر راهی آسایشگاه شد. یانیس در این سال بود که مبتلا به بیماری سل شد و برای نبرد با آن روانه آسایشگاه مسلولان شد. او سه سال در آسایشگاه سوتیریا و چند صباحی هم در جزیره کرت بستری شد تا بهبود کامل یافت.

کودکی و نوجوانی چنین پررنج و هولناک، کابوس‌های اولیه او را ساخت:

هرگز به یاد ندارم جوان بوده باشم،
چون پیرمردانی فلج گوشه‌ای می نشستند و
کتاب‌های باستانی می خواندم.

اقامت او در آسایشگاه فرصتی بود تا به مطالعه بپردازد. او شب و روز کتاب می‌خواند و در همین سال‌ها بود که از طریق مطالعه آثار مارکس و لنین با مارکسیسم آشنا شد و تا آخر عمرش گرایش خود را به این فلسفه حفظ کرد. او علاوه بر خواندن، مدام در حال سرودن شعر بود. در این سه سال، سه مجموعه از او منتشر شد. نخستین مجموعه شعر او تراکورد نام داشت و بعد اهرام را منتشر کرد. این دو مجموعه سیاسی و اشعار آن‌ها اعتراضی بودند به ستم بورژوازی. زبان این شعرها سنتی بود و هنوز ناپخته. ریتسوس اوزان مرسوم در شعر یونان را در آن‌ها رعایت کرده بود و پا را از قراردادهای جا افتاده شعری فراتر نگذاشته بود. اما سومین اثر او آواز خواهرم کاملاً شخصی بود و در واقع می‌توان این مجموعه را آغاز واگویه کابوس‌های ریتسوس دانست. رگه‌های سوررئالیستی در این اثر کاملاً نمایان است. آواز خواهرم و سنگ نشسته مزار دو اثری بودند که شهرت ریتسوس را به سرعت در سراسر یونان پراکندند. هر دو مجموعه تحت تأثیر سوررئالیسم نوپای یونان به سرکردگی امبریکوس^۱ بود. ریتسوس در آواز خواهرم ورود خواهرش به دنیای جنون را لحظه به لحظه توصیف می‌کند. منظومه سنگ نشسته مزار شعری است سیاسی که ریتسوس آن را پس از دیدن عکسی از اعتصاب کارگران سالونیک می‌سراید. در این عکس کارگری تیر خورده و مادرش بر روی سینه او خم شده است. منظومه با این سطر آغاز می‌شود.

1. Embreikos

در یکی از روزهای ماه مه تو را از دست دادم.

و با این سطرها پایان می‌گیرد:

... می‌روم تا به رفیقان تو بیوندم و خشم خود
را بروی خشم‌شان بگذارم تفنگ تو را به دست
دارم، آسوده بخواب پسرم.

این شعر بلافاصله دست به دست گشت و به صورت سرودی انقلابی درآمد. بعدها میکیس تئودراکیس آهنگساز سرشناس یونانی آن را به صورت سرودی زیبا درآورد. با انتشار این شعر دور دیگری از رنج‌ها و دربه‌داری‌های ریتسوس آغاز شد. مناکساز تخت و وزیر دیکتاتور یونان در ۱۹۳۶ مجلس را منحل کرد و به طرفداری از سلطنت، خود را نخست وزیر مادام‌العمر نامید و دست به قلع و قمع روشنفکران و انقلابیون زد. منظومه سنگ نبشته طی مراسمی با انبوهی از کتاب‌های دیگر در مقابل معبد زئوس به آتش کشیده شد. روزنامه‌ها و نشریات پیشرو توقیف شدند و ریتسوس همراه چندین هنرمند دیگر تحت تعقیب قرار گرفت. او از این تاریخ به بعد بود که بارها تبعید و زندانی شد. پس از جنگ جهانی دوم به مدت کوتاهی آزاد شد اما با شروع جنگ داخلی دوباره مورد تعقیب و آزار قرار گرفت. تا این که در پایان جنگ داخلی در ۱۹۴۸ با سرکوب نیروی مقاومت ملی دستگیر شد و به مدت چهار سال به جزایر دوردست تبعید شد. چاپ کتاب‌های او تا ۱۹۵۴ ممنوع بود. چند سال پس از آزادی‌اش بود که در جریان کودتای سرهنگان در ۱۹۶۷ بار دیگر دستگیر شد و به جزایر مختلفی تبعید شد و سرانجام در جزیره ساموس در خانه زنش تحت نظارت پلیس به زندگی ادامه داد. در ۱۹۷۲ اجازه چاپ مجدد کتاب‌های او صادر شد. در تمامی این سال‌های وحشت و رنج و بی‌عدالتی، ریتسوس لحظه‌ای از سرودن شعر باز نمی‌ماند و ده‌ها مجموعه شعر را آماده چاپ می‌کند. او اغلب شعرهای میهنی و سیاسی خود را در قالب منظومه می‌سراید و اشعار شخصی‌اش را به صورت

شعر کوتاه. از میان منظومه‌های او باید به شعر بلند و زیبای بانوی تاکستان‌ها اشاره کرد که در واقع قصیده‌ای است برای مام وطن در زمان اشغال فاشیست‌های ایتالیا و آلمان.

اشعار کوتاه ریتسوس درونی‌تر و شخصی‌تر است. در این شعرها او از کابوس‌های خود که در مقیاسی وسیع‌تر کابوس‌های کشورش یونان و در نگاهی حتی فراتر کابوس‌های جهان درگیر بی‌عدالتی است سخن می‌گوید.

مجموعه حاضر گزینه‌ای است از اشعار کوتاه او و چند بند از منظومه بانوی تاکستان‌ها. این اشعار در نگاه اول مانند تصاویر عکاسی پراکنده از زندگی یونان است: مردی در قهوه‌خانه نشسته است و چای می‌خورد، آن طرف خیابان نعل‌بندی نعل به سُم آسب می‌کوبد. و یا زنی از پنجره به مردی که در غبار کوجه سوار بر است می‌گذرد، می‌نگرد. و یا قایقی هنگام غروب آرام آرام وارد بندر می‌شود.^۱

اما تشبیه این شعرها به عکس راضی‌کننده نیست. چیزی وجود دارد که آن‌ها را از چارچوب شکار لحظه‌ها خارج می‌کند. خواننده بیشتر ترجیح می‌دهد آن‌ها را به جای عکس، تابلوهای اکسپرسیونیستی بداند که در آن‌ها ارتباط پنهان‌تری میان عناصر در معرض دید وجود دارد. با نگاهی ژرف‌تر به شعرها، این نیز راضی‌کننده نیست. در تمامی این شعرها راز دیگری وجود دارد. شعرها به ظاهر بسیار ساده‌اند. اما این سادگی بلافاصله رنگ می‌بازد.

ریتسوس در ۱۹۴۶ در شعری به نام «معنی سادگی» می‌گوید:

من در پس چیزهای ساده پنهان شده‌ام تا بگردید
و پیدایم کنید.

اگر مرا پیدا نکردید، چیزها را خواهید یافت،
دست‌های شما آنچه را که من لمس کرده‌ام

۱. نگاه کنید به شعرهای «کشف او»، «وزش»، و «سبکی».

احساس خواهد کرد
و مسیر دستان‌مان از هم عبور خواهد کرد.

.....

هر واژه روزنه‌ای است
برای یک دیدار (که اغلب به روزی دیگر
می‌افتد)
آن واژه واقعی است که برای این دیدار پافشاری
کند.

خواننده با ایجاد ارتباط میان واژه‌ها و تصاویر دری را به سرزمین کابوس‌ها
و رویاهای شاعر می‌گشاید: مردی لنگری را از سقف می‌آویزد و روی تخت دراز
می‌کشد و در آن می‌نگرد. آن‌گاه خود را در عمق دریایی می‌بیند که بر روی آن
کشتی کوچکی در دل شب لنگر انداخته است و مردی بر عرشه کشتی ویولون
می‌زند.

یا مردی نگران خوابگردی است که بر بالای اتاق او هر شب در خواب راه
می‌رود. مرد از پنجره باز خود مواظب است تا اگر خوابگرد افتاد او را بگیرد و
یک شب خود او از پنجره می‌افتد و خوابگرد از پله‌ها پایین می‌آید تا جسد او را
ببیند.

و یا امواج دریا ذره ذره خانه‌های کنار دریا را می‌خورند و همه چیز به کام
دریا می‌رود و زندگی ماهیگیران در دریا ادامه دارد.^۱

این تصاویر همه داستان‌های کوتاه کابوس‌واری هستند که چون رویایی از
تاریکی برمی‌آیند و در تاریکی فرو می‌روند. خواننده با خواندن این اشعار
احساس می‌کند در تاریخ‌خانه‌ای نشسته است و فیلم‌های کوتاه و رؤیاگونه‌ای

۱. نگاه کنید به «ارتباط» و «خوابگرد و دیگری» و «ضربه در».

می‌بیند که در ظاهر ارتباطی با هم ندارند، اما رشته‌ای نامرئی در میان این فیلم‌ها است که اندک اندک بیننده را وارد دنیای پر از امیدها و هراس‌ها و زیبایی‌ها و زشتی‌های شاعر می‌کند. از این روست که سادگی در شعر ریتسوس بسیار فریبنده است.

بسیاری از اشعار با «او گفت -» و با ژستی روایی آغاز می‌شوند. خواننده پی منطقی روایت در آن‌ها می‌گردد اما به‌زودی از این جستجو منصرف می‌شود. او با عباراتی نظیر «او گفت -» و «یا «مرد ...»، «زن ...» به درون مجموعه‌ای از تصاویر پرت می‌شود که در آن خود باید فعالانه به کشف و شهود بپردازد. این کشف از نوع رازگشایی نمادین نیست، چرا که اشعار ریتسوس سمبلیک نیستند. خواننده باید رابطه‌ی فزاینده‌ی واقعی بین تصاویر را پیدا کند و این‌جا است که خود را با اشعار سوررئالیستی رویه‌رو می‌بیند. سوررئالیسمی که ویژه ریتسوس است. ریتسوس استاد فضا سازی است: خیابان خالی، شب، مردی در انتهای آن گم می‌شود، پرندهای در لای درختان صیحه می‌کشد. مرد از نظر پنهان می‌شود و میان دو تیر چراغ برق در خیابان لکه بزرگی از خون دیده می‌شود.

و یا مردی که در بازجویی شکنجه شده است آزاد می‌شود. ساعت و کمربند و شناسنامه‌اش را به او باز می‌گردانند اما او خود را نمی‌شناسد.

و یا زنی برای ملاقات یک زندانی آمده است و در سالن بازداشتگاه روی پتویی که برای زندانی آورده می‌نشیند و شاهد فضای پر از رعب و وحشت زندان است و مردی را می‌بیند که خود را به دیوانگی زده و در مقابل اصرار بازجو به اعتراف، عنکبوتی را که روی دیوار راه می‌رود به دهان می‌گذارد^۱.

گاه تصویر غریب و زیبا چنان نیرومند است که برای همیشه در ذهن خواننده می‌ماند:

۱. نگاه کنید به «عزیمت»، «پس از محاکمه».

فریادی را بر دیوار راهرو کوبیده‌اند
چون استخوان تیز ماهی در گلوی مهمانی
ناآشنا.

ریتسوس اشعار کوتاه دیگری هم دارد که آرایه‌های سوررئالیستی کمتری دارند و مستقیم‌تر و واقع‌گرایانه‌ترند. مثلاً شعری که از زندان به دوستی در خارج یونان می‌فرستد:

... (از زندان) برایت می‌نویسم
در حدود ۳۰۰۰ نفر این جا زندانی هستیم
مردمی هستیم ساده، سختکوش، اندیشه‌ورز
با پتوئی مندرس بر پشت‌مان
یک پیاز، پنج حبه زیتون، شاخه‌ای از نور در
کوله پشتی‌مان
مردمی به‌سادگی درختان در نور آفتاب
با یک تقصیر در پرونده‌مان.
تنها یک تقصیر - که ما همچون شما
عاشق صلح هستیم و آزادی.

و در جایی دیگر در تعریف زیبایی که از صلح می‌کند:

صلح یعنی عطر غذا در شامگاهان
صلح یعنی این که ماشینی دم در خانه‌ات توقف کند
و تو وحشت نکنی
صلح یعنی آن که در خانه‌ات را می‌کوبد
کسی نباشد جز یک دوست.

ریتسوس شاعری است با ایده‌آل‌های انسانی. در تمامی عمر به آرمان‌هایش در راه بهروزی انسان‌ها و نفی هرگونه زورگویی و ستم وفادار ماند. او در یکی از واپسین شعرهایش با بیانی زیبا از این آرمان‌ها سخن می‌گوید و با زندگی وداع می‌کند.^۱

ریتسوس بی‌شک یکی از بزرگ‌ترین شاعران معاصر ما است. آراگون شاعر بزرگ فرانسه در باره او می‌گوید:

گویی این شاعر به رازهای روح من آشنا است و فقط او - می‌دانید چه می‌گویم تنها او - توانست مرا چنین تکان دهد. ابتدا نمی‌دانستم او بزرگ‌ترین شاعر در قید حیات عصر ما است. باور کنید نمی‌دانستم. این را ذره ذره با خواندن هر شعر او دریافتم. از هر شعر که به شعر دیگر رفتم رازهای بیشتری برایم آشکار شد و از این طریق به مکاشفه یک انسان و یک کشور پرداختم، به کشف ژرفای انسان و یک سرزمین ... بزرگ‌ترین شاعر زنده زمان ما یانیس ریتسوس است.

یانیس ریتسوس در ۱۱ نوامبر ۱۹۹۰ در سن ۸۱ سالگی از دنیا رفت. دولت محافظه‌کار یونان دستور داد او را با احترام کامل به عنوان یک چهره بزرگ ملی با تشریفات رسمی به خاک سپارند.

اشعار این مجموعه را از منابع مختلف گردآورده‌ام. اساس کار من سه کتاب زیر بوده است:

Yannis Ritsos, *Selected Poems*, translated by Nikos Stangos, Efstathiadis Group S.A., 1993.

Yannis Ritsos, *Exile and Return*, by Edmund Keeley, Anvil Press Poetry, 1989.

Yannis Ritsos, *The Lady of the Vineyards*, translated by Apostolos N. Athanassakis, 1994.

احمد پوری

۱. نگاه کنید به «واپسین کلام».